

حوادث ۱۹ جام جم

تلنگر

❗ قتل، پایان کری‌خوانی در گیم‌نت



مرد جوان که در جریان کری‌خوانی و دعوی خیابانی پسری را کشته بود مدعی شد در این درگیری قصد قتل نداشته‌است.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ۱۶ بهمن امسال در جریان درگیری خیابانی میان چند نفر که تعدادی از آنها از ارادل و اوپاش بودند در خیابان رودکی تهران مردی حدود ۳۲ سال بر اثر ضربه چاقو که به رگ دست راستش اصابت کرده بود به قتل رسید.

با دستور ساسان غلامی، بازپرس کشیک قتل دادرسی جنایی تهران تحقیقات پلیس آگاهی آغاز شد و دو برادر در غرب تهران و سه پسر دیگر که در این درگیری شرکت داشتند، بازداشت شدند. افراد بازداشت شده دیروز به شعبه سوم بازپرسی دادرسی جنایی تهران منتقل و چهار نفر از متهمان در تحقیقات گشتند فرید قاتل است. در جریان تحقیقات بعدی فرید اعتراف کرد و گفت که قصد قتل نداشته است. او در تشریح ماجرای درگیری مرگبار به بازپرس جنایی گفت: در مغازه بنگاه املاک پدرم کار می‌کنم. آن روز با برادر کوچک‌ترم به گیم‌نتی در نزدیکی بنگاه رفتم. مقتول و دوستانش هم آنجا بودند. او برای من کری خواند و مدعی شد، چرا برای بازی به این کلوپ آمدید که گفتم به تو مرتبط نیست. دعوی اولیه همان جا پایان گرفت. چند دقیقه بعد برادرم بیرون رفت که دوستان مقتول، او را کتک زده و سرش را زخمی کردند. صاحب کلوپ برای این‌که در محل کارش دعوا نشود، مرا از آنجا بیرون برد و سمت بنگاه‌مان رفتم.

وی افزود: مقتول و دوستانش دوباره سمت ما آمدند که برای ترساندن آنها به مغازه ساندویچی همسایه‌مان رفته و قاقویی برداشتم و دوضربه به سمتش پرتاب کردم که فکر نمی‌کردم باعث مرگ او شود.

برای متهمان قرار قانونی صادر شد و تحقیقات از آنها در اداره دهم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

❗ سرباز تایلندی

ده‌ها نفر را به رگبار بست



سرباز تایلندی در اقدامی هولناک و با انگیزه‌ای نامعلوم ده‌ها نفر را در یک مرکز خرید در شرق تایلند به رگبار بست و گریخت.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، روز گذشته در استان «ناخون رتچاسیما» واقع در شرق تایلند، صدای مهیب تیراندازی در یک مرکز خرید پیچید.

به گفته شاهدان عینی و با استناد به آنچه توسط دوربین‌ها ضبط شده است، عامل تیراندازی یک سرباز تایلندی بوده است. جوان مسلح قبل

از ورود به مرکز خرید به سمت دو افسر پلیس شلیک کرده و سپس وارد مرکز خرید شده و به سمت مردم عادی تیراندازی کرده بود.

این حادثه هولناک تاکنون دست کم ۲۰ کشته و ۲۱ زخمی بر جای گذاشته است که گزارش شده قربانیان رانندگان تاکسی و دانشجو هستند.

خبرگزاری اسپوتنیک در گزارش خود بعد از حادثه اعلام کرد عامل تیراندازی متواری شده است و پلیس در جست‌وجوی ردی از اوست.



وی ادامه داد: قاتل پس از این جنایت از محل متواری شد که تصویر بدون پوشش او برای شناسایی مخفیگاهش با دستور قضایی منتشر می‌شود. شهروندان در صورت مشاهده و شناسایی محل اختفای متهم فراری، اطلاعات خود را از طریق شماره تلفن ۰۲۱۳۶۷۲۹۹۸۳ به پلیس آگاهی پیشوا- سروان حیدری- اطلاع دهند.

دوست دارم مثل سردار سلیمانی قوی باشم

امیدی که به نجات داشت باعث شد، ۴۵ دقیقه زیر توده بهمن طاقت بیاورد و زنده بماند. وقتی شروع به صحبت با او می‌کنم از طرز پاسخ دادنش به سوالات مشخص می‌شود خیال‌تی است و به همین خاطر به سوالات کوتاه پاسخ می‌دهد.

❗ در لحظه سقوط بهمن در کوچه چکار می‌کردی؟

از روز قبل برف آمده بود و حدود ساعت ۱۲ ظهر شنبه بارش را برداشتم و از خانه بیرون رفتم تا کوچه را پارو کنم. می‌دانستم عبور زنان و کودکان از کوچه با آن وضعیت سخت است.

❗ متوجه سقوط بهمن شدی؟

بله. حتی خواستم فرار کنم، اما نتوانستم و زیر برف گرفتار شدم.

❗ زیر آن همه برف چطور ۴۵ دقیقه نفس کشیدی؟

به خاطر این‌که بهمن از پشت سر روی من ریخت، حالتی پیدا کرده بودم که دست و پاهایم ستون شده بود و اطراف دهانم فضای خالی بود که از هوای آنجا تنفس می‌کردم.

❗ می‌توانستی تکان بخوری؟

نه. میان حجم زیادی از برف گرفتار شده بودم و نمی‌توانستم حتی یک سانتی‌متر تکان بخورم. همه جا تاریک بود. صحنه خیلی وحشتناکی بود.

❗ امیدی به نجات داشتی؟

راستش ترسیده بودم، اما امیدم به نجات زیاد بود. زیر لب ذکرهایی که بلد بودم را می‌گفتم و از خدا می‌خواستم کمک کند که زنده بمانم. عاشق سردار سلیمانی هستم و همیشه دوست داشتم مثل او قوی باشم. زیر برف هم تلاش کردم قوی باشم و از تاریکی و سکوت نترسم.

❗ صدای افرادی که برای نجات تو تلاش می‌کردند را می‌شنیدی؟

نه، فقط سکوت بود و تاریکی.

❗ به نجات که امید داشتی. پس چرا وقتی از زیر برف بیرون آمدی گریه کردی؟

باور کنيد اشك شوق بود. خوشحال بودم که دوباره می‌توانم کنار خانواده‌ام باشم. لحظات آخر، نفس کشیدن سخت شده بود

و اگر امدادگران دیر می‌رسیدند شاید الان مرده بودم.

❗ بعد از این حادثه رابطه‌ات با برف چطور است؟

خیلی بهتر از قبل. در مدتی که زیر بهمن بودم بیشتر با برف دوست شدم. برف همه نعمت خداست و این حادثه باعث نشد از برف بترسم.

عقربه‌های ساعت تندتر شده بود. امدادگران می‌دانستند، ثانیه‌ها برای پسر بچه طلایی است و اگر تاخیری در عملیات رخ دهد شاید ابوالفضل برای همیشه چشمانش را به روی این دنیا ببندد.

یوسفی پور ادامه داد: به خانه‌ها آسیب جدی وارد نشده و فقط پنجره یکی از خانه‌ها شکسته و برف به داخل اتاق ریخته شده بود. اولویت ما نجات جان پسر بچه‌ای بود که حتی هوشش را هم نمی‌دانستیم. بعد از حدود ۴۵ دقیقه سرانجام یکی از جست‌وجوگران ردی از پسر بچه را زیر برف پیدا کرد. ۱/۵ متر برف رویش ریخته بود و وقتی از زیر توده برف خارج شد و گریه کرد، همه خوشحال شدیم که زنده است.

آزار و اذیت ۴ زن در ارابه شیطانی



برگشت از مسیر باز با من تماس گرفتند و من در دومین بار که سوار ماشینم شدند نیتم را عملی کردم.

با اعتراف متهم، پرونده برای رسیدگی به شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و روز گذشته متهمان و شاکی در دادگاه حاضر شدند. ابتدای جلسه رسیدگی سه شاکی حاضر در دادگاه بار دیگر شکایت خود را از متهم مطرح کردند. این در حالی بود که یکی از شاکیان به دلیل سفر به خارج از کشور در دادگاه حاضر نبود. سپس متهم در جایگاه دفاع حاضر شد و گفت: اتهام را قبول ندارم. من پیش از این تحت فشار اعتراف کرده بودم، اما آن اعترافات را قبول ندارم. من راننده آژانس بودم و این خانم‌ها به عنوان مسافر سوار ماشینم من شدند. دو نفر از آنها تمایل به دوستی با من داشتند، اما ارتباط من با آنها تنها در حد چند تماس و پیامک بود.

قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم، قرار و وثیقه او را تشدید کردند و

برای صدور رای وارد شور شدند.

درخواست پلیس برای شناسایی مخفیگاه قاتل عمو و برادرزاده

فرمانده انتظامی شهرستان پیشوا برای شناسایی متهم دو پرونده قتل از مردم کمک خواست.

سرهنگ عبدالرضا اکاوند در گفت‌وگو با جام جم با اعلام این‌که یک متهم به اتهام مشارکت در قتل عمد تحت تعقیب پلیس است، بیان کرد: در این



گفت وگوی جام جم با پسری که پس از ۴۵ دقیقه زنده از زیر بهمن خارج شد

معجزه در وقت اضافه

کرد. اما بدنش قدرت تکان خوردن نداشت. هر چه به عضلاتش فشار می‌آورد تا بتواند پاهایش را تکان دهد، نمی‌توانست. وقتی از زیر برف بیرون کشیده شد، بغض این ۴۵ دقیقه اش ترکید. امدادگر خانه هلال روستای کهنمو او را میان پتویی پیچید و سعی کرد آرام‌اش کند. وقتی نگاه نگران ابوالفضل را به پاهایش دید، فهمید چرا پسر بچه نگران است و خیالش را راحت کرد که هیچ اتفاقی نیفتاده و بعد از گرم شدن بدنش دوباره سرپا خواهد شد.

رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان اسکو در آذربایجان شرقی که در عملیات نجات ابوالفضل حضور داشت، می‌گوید: در این سال‌هایی که در هلال احمر فعالیت دارم در عملیات‌های زیادی حضور داشتم و با توجه به تجربه‌ای که از حوادث برفی به خصوص بهمن دارم، نجات ابوالفضل از زیر آن همه برف یک معجزه بود. چند سال قبل همین بهمن جان دو کوهنورد را در منطقه گرفت. محمد یوسفی پور درباره روز حادثه می‌گوید: روزهای آفتابین ده فجر بود و همراه بخشدار در

۴۵ دقیقه شاید برای دیدن یک نیمه دربی مثل برق و باد بگذرد، اما برای کودک ۱۱ساله‌ای که زیر ۱/۵ متر بهمن گرفتار شده است، یک عمر به حساب می‌آید. ثانیه‌ها به کندی می‌گذشتند و نفس‌های ابوالفضل به شماره افتاده بود. سرما، تاریکی، نفس تنگی و حجم سنگین برف که روی کمرش سوار شده بود، لحظات سخت و دلهره‌آوری را برایش رقم زده بود. هر نفسی که به داخل سینه‌اش می‌فرستاد برایش امیدی به زنده ماندن بود. زیر لب ذکر می‌گفت و تمام امیدش به معجزه الهی بود.

سرانجام هم این معجزه رخ داد و نور آفتاب به چشمانش زد. بعد هم فریاد «پیدایش‌ش کردم اینجاست» ۴۵ دقیقه سکوتی که در گوش‌هایش خانه کرده بود را شکست. نفس عمیقی کشید و ریه‌هایش را بر اثر هوای تازه



محمد غمخوار

دیر گروه حوادث

معلم بازنشسته پسر معتادش را خفه کرد

معلم بازنشسته که پسر معتادش را با طناب خفه کرده بود، پس از دستگیری به تشریح جنايتش پرداخت. به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۲ و ۴۰ دقیقه بامداد دیروز یکی از ماموران کلانتری خزانه با محمدتقی شعبانی، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از قتل پسر ۲۸ ساله از سوی پدر ۶۴ساله‌اش و بازداشت قاتل در حوالی محله خزانه تهران خبر داد. زمانی که بازپرس جنایی و تیمی از ماموران پلیس آگاهی برای بررسی ماجرا در محل حاضر شدند با خودروی پارک شده در مقابل یک بوستان روبه‌رو شدند که پیکر جوانی در آن بود که با طناب خفه شده بود. آثار درگیری روی بدن مقتول و نیز آثار تخریب و ضربه به در و بدنه خودرو وجود داشت. با تحقیق از ماموران کلانتری معلوم شد فردی به پلیس رنگ زده و گفته که پدرش مرتکب قتل برادرش شده و آنها با حضور در محل متوجه صحت ماجرا شدند. مرد درندکش همراه پسر دیگرش بازداشت و برای تحقیقات تکمیلی به شعبه چهارم بازپرسی دادرسی جنایی تهران منتقل شدند. مرد می‌انسال به قتل پسر معتادش اعتراف کرد و گفت: پسر دیگرش در این ماجرا نقشی نداشته است.

❗ روزی یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان هزینه اعتیادش بود

شهرام ۶۴ ساله بعد از تحقیقات در دادسرا در گفت‌وگویی با جام جم به تشریح این جنایت پرداخت که در ادامه می‌خوانید.

❗ پسرت معتاد بود؟

او از شش سال پیش کواکین مصرف می‌کرد. وسایل خانه را به هم می‌ریخت، همه را اذیت می‌کرد. شش بار برای ترکش تلاش کردم، اما دوباره اعتیادش را شروع کرد. او در روز چهار بار کواکین مصرف می‌کرد و هزینه هر بار مصرفش ۴۰۰ هزار تومان بود.

❗ از شب جنایت بگو؟

آن شب شهرزو و برادرش بیرون رفته بودند و او دور از چشم وی ۸۰ تا قرص خورده و حالش بد بود. ساعت ۱۱ شب پسر به خانه زنگ زد و گفت که شهرزو حالش بد شده و شیشه ساختمان را

❗ بعد چه شد؟

شهرزو فحاشی کرد و ۵۰۰ میلیون تومان پول خواست. بعد از خودروی در حال حرکت خودش را بیرون انداخت که زنده ماند. من صندلی عقب نشستم و او جلو نشست. پسر دیگرم ما را سمت اتوبان آزادگان و بعد به محله خزانه برد. شهرزو می‌خواست من و برادرش را با چاقو بزند. عصبانی بودم و با انداختن طناب دور گردنش او را خفه کردم؛ سه بار دور گردنش پیچاندم و به صندلی گره زدم.

شرکت داروسازی اکسیر
EXIR
PHARMACEUTICAL CO.
Health is not a dream

سلامتی رویا نیست

صادرات به ۱۹ کشور

هفت سال متوالی صادر کننده نمونه کشوری